

خوش آمدیدا!

علی امانی - غلامحسین دوانی

حسابداران رسمی

براساس تبصره‌های (۲ و ۳) ماده (۳) آئین‌نامه تعیین صلاحیت حسابداران رسمی و چگونگی انتخاب آنان مصوب ۱۳۷۴/۵/۲۲ هیأت وزیران مقرر شده بود:

«تبصره ۲- اشخاص حقیقی و مدیران سازمان حسابرسی که تا تصویب اساسنامه و تشکیل جامعه حسابداران رسمی ایران توسط هیأت عالی نظارت سازمان حسابرسی در سطح مدیر حسابرسی تأیید شده و می‌شوند، از آزمونهای موضوع این بند معاف می‌باشند.»

«تبصره ۳- مدیران دستگاههای اجرایی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا تاریخ تصویب این آیین‌نامه حداقل ده سال در ارتباط با امور حسابرسی، مالی، محاسباتی و مالیاتی تصدی داشته باشند در صورتی که ظرف شش ماه پس از تصویب این آیین‌نامه درخواست خود را به دبیرخانه هیأت ارائه دهند، به تشخیص هیأت و مشروط به داشتن سایر شرایط مذکور در این ماده از آزمونهای موضوع این بند معاف خواهند بود.»

تبصره‌های فوق باعث شد که از یک طرف کارمند دبیرخانه یک نهاد حرفه‌ای و از طرف دیگر هم بسیاری افراد دولتی فاقد پیشینه حسابرسی (به مفهوم حرفه‌ای آن) به اخذ عنوان حسابدار رسمی نایل شوند.

این استثناء که در عمل به یک قاعده تبدیل شد اعتراض به حق بسیاری دولتی‌ها و غیردولتی‌ها را برانگیخته بود و عمدتاً اظهار می‌داشتند چگونه می‌توان پذیرفت که هر کس زودتر بیاید «حسابدار رسمی» شود و آنکه دیرتر باخبر شده و یا دیرتر آمده‌اند از این امتیاز محروم شوند. بعدها همین حسابداران رسمی در پذیرش سایر داوطلبان که اتفاقاً دانش و پیشینه حرفه‌ای آنان بیشتر از «سابقون» بود چنان دایره تنگ انحصاری بوجود آوردند که شائبه «انحصارطلبی» دامن جامعه حسابداران رسمی را فراگرفت. به طوری که برخی اعضای شورای عالی وقت بر آن شدند که شرط داشتن سابقه شش سال کار حسابرسی قبل از انجام آزمون را حذف و به بعد از موفقیت در آزمون (مشابه همه جای دنیا) موکول نمایند. اما قضیه فقط بدین جا خاتمه نیافت. به طوری که اگر کسی فقط در یک بخش از آزمون موفق به کسب امتیاز مربوط نمی‌شد می‌بایست سال بعد کلیه دروس را مجدداً امتحان دهد که این قضیه آنچنان غیرمنصفانه بود که شورای عالی جامعه و هیأت تشخیص صلاحیت را واداشت تا با تجدیدنظر در مقررات، روش معقولانه و منصفانه‌تری در پیش گیرد. نگارندگان و تنی چند از اصحاب حرفه از همان آغاز تولد جامعه تبصره (۳) فوق‌الاشاره را «چشم‌سفندیار» روند تکاملی حرفه حسابرسی دانسته لذا در پیشنهاد اصلاح اساسنامه بر آن شدیم که مقرراتی را جهت «اعضای افتخاری» مشابه سایر انجمنهای حرفه‌ای حسابرسی پیش‌بینی کنیم. بدین طریق که برخی افراد صاحب منصب دولتی را که مترصد پیوستن به جامعه حسابداران رسمی بودند را «عضو افتخاری» تلقی و این اعضاء دارای حق امضاء و یا به قول فرنگی‌ها «پراکتیس» نباشند! اما همان کسانی که آن روزها با ورود هر کس جز خودشان مخالفت می‌کردند و امروز هم

در مقابل مصوبه جدید «سکوت محض» اختیار کرده‌اند باز هم مخالفت کردند و با هماهنگی با برخی افراد صاحب منصب در وزارت امور اقتصادی و سازمان برنامه و بودجه وقت از طرح اصلاح اساسنامه جلوگیری کردند. داوطلبان دولتی هم که همه راهها را مسدود دیدند همه را دور زدند به طوری که یکباره پایگاه اطلاع‌رسانی دولت در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۲۴ اعلام نمود:

«دولت با هدف استفاده از تجارب مدیران دستگاههای اجرایی که حداقل ده سال در ارتباط با امور حسابرسی و مالی تجربه دارند، آیین‌نامه تعیین صلاحیت حسابداران رسمی و چگونگی انتخاب آنان را اصلاح کرد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، هیأت وزیران در جلسه شانزدهم آبان ۱۳۸۹ بنابه پیشنهاد وزارت اقتصاد به استناد تبصره یک ماده واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران رسمی مصوب ۱۳۷۲ آیین‌نامه تعیین صلاحیت حسابداران رسمی و چگونگی انتخابات آنان را اصلاح کرد. براساس مصوبه دولت، متن زیر جایگزین تبصره ۳ بند «ز» ماده ۳ آیین‌نامه تعیین صلاحیت حسابداران رسمی و چگونگی انتخابات آنان می‌شود: «مدیران دستگاههای اجرایی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران حداقل ده سال در ارتباط با امور حسابرسی، مالی، محاسباتی و مالیاتی تصدی داشته باشند، به تشخیص هیأت و مشروط به داشتن سایر شرایط مذکور در این ماده از آزمون‌های موضوع این بند معاف خواهند بود.» این مصوبه در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۱۹ توسط معاون اول رئیس‌جمهور ابلاغ شده است.

با ابلاغ این مصوبه، دستگاههای اجرایی کشور می‌توانند از تخصص مدیران و ذی‌حسابان شاغل در معاونت هزینه و خزانه‌داری کل کشور که متولی امور نظارت مالی، امور مالی و محاسباتی دستگاههای اجرایی کشور هستند، استفاده کنند و این مدیران برای کسب صلاحیت حسابدار رسمی نیازی به گذراندن آزمون‌های مهارت حسابداری و حسابرسی و مقررات تجاری، مالی، محاسباتی و مالیاتی نخواهند داشت.»

مصوبه فوق در شرایطی اعلام شد که برخی حسابداران رسمی خوش خیال با درج مقالاتی پیرامون چگونگی حسابدار رسمی شدن و نحوه امتحانات حسابدار رسمی، راهکارهای غیرمنتظره با شرایط محیطی کشور ارائه و به اصطلاح غرق در غرقاب خوش‌خیالی شده بودند!

جالب آنکه جامعه حسابداران رسمی ایران نیز مصوبه مذکور را با سکوت برگزار کرده و از درج آن در وب‌گاه جامعه تاکنون خودداری شده با این تلقی که احتمالاً انتظار تغییر آن را دارد! غافل از اینکه اینگونه مصوبات مصرف‌کنندگان خاص دارد که آنها برای تصویب این مصوبه همه‌گونه اقدامات را بعمل آورده‌اند!

واقعیت چیست!؟

اینگونه مصوبات در یک اقتصاد و سیاست دولتی غیرطبیعی بنظر نمی‌رسد چرا که در جمهوری چین هم دولتی‌ها عنان حرفه را بدست گرفتند و پس از یک دوره هشت ساله دولت ناچار کارت

عضویت بیش از سه هزار نفر را بعلت بی انضباطی مالی و حرفه‌ای لغو کرد! کما اینکه بد نیست سازمان امور مالیاتی آمار گزارشات حسابرسی مالیاتی را که توسط شاغلین انفرادی تهیه و امضاء شده اعلام نماید تا مشخص شود چه کسانی پیشه خود را صرفاً «حسابرسی مالیاتی» قرار داده‌اند و چنانچه این گزارشات بنا به ادعای سازمان امور مالیاتی حقوق مالیاتی دولت را تزییع نموده پس به هوش باشند که این گونه پذیرش‌ها، آنگونه گزارشات را هم به ارمغان خواهد آورد. با توجه به اینگونه مسائل و آنگونه قضایا اهل حرفه در قبال این گونه قضایا که می‌تواند آینده حرفه حسابرسی را تهدید کند سه راه حل زیر را در پیش دارند:

۱- اهل حرفه هم به مصداق «خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو» قاطی این بازی نامیون شوند.

۲- اهل حرفه مصرانه تقاضای خود را «حسابرسی مالی» قرار دهند و از انجام حسابرسی مالیاتی اجتناب کنند تا سرانجام پس از یک دوره کوتاه «دو الی سه ساله» حرفه جایگاه واقعی خود را باز یابد.

۳- فعالیت «حسابرسی مالیاتی» به «انجمن مشاوران مالیاتی» متشکل از بازنشستگان سازمان امور مالیاتی و دیوان محاسبات واگذار شده و شر قضیه کنده شود.

و اما سخنی با همکارانی که هم و غم آنان اجرای ماده (۲۷۲) قانون مالیاتهای مستقیم است. کراراً مقالاتی در قد و بالای رسای ماده (۲۷۲) چاپ می‌شود بدون آنکه این دوستان و همکاران توجه نمایند که اولاً قانون مالیاتهای مستقیم (۲۷۳) ماده دارد و نه فقط ماده (۲۷۲)، ثانیاً ماده (۲۱۹) که مقررات ناظر بر ماموران مالیاتی (و حسابداران رسمی در مقام مامور مالیاتی) در حوزه تشخیص مالیات است مقدم بر ماده (۲۷۲) می‌باشد، ثالثاً ماده (۲۷۲) تقدیمی دولت (سازمان امور مالیاتی) دارای چهار تبصره بوده که در مقام تصویب دو تبصره آن حذف و بهمین علت سازمان امور مالیاتی آن را ناقص می‌داند، رابعاً قید اجرای ماده (۲۷۲)، دستورالعمل صادره توسط سازمان امور مالیاتی است که می‌تواند همهٔ وجاهت ماده (۲۷۲) مورد نظر حسابداران رسمی را مورد تردید قرار دهد. مضافاً بر آنکه تشخیص مالیات مندرج در بودجه دولت از جمله «امور حاکمیتی» است و هیچگاه دولت رضایت نخواهد داد که «امر حاکمیتی» توسط بخش خصوصی محقق گردد. مگر آنکه خود رأساً بتواند ناظر بر این موضوع باشد. عملکرد چندساله اخیر نیز مؤید این قضیه می‌باشد. بدین معنی که گزارشات حسابرسی مالیاتی که در شکل و ظاهر زیبایی تایپ شده و حاوی اطلاعات گرانبهایی است به عنوان «کف مالیات» مؤدیان پذیرفته شده و سپس با اضافات و الحاقات نسبت به تعیین رقم و صدور برگ تشخیص اقدام می‌شود که عدد تشخیصی نیز با عدد برآوردی حسابرسان بسیار متفاوت است. مؤدیان بخت برگشته خوش خیال نیز که به این امید به حسابرسان پناه آورده بودند «خسرالدنیا و الاخره» می‌شوند.